

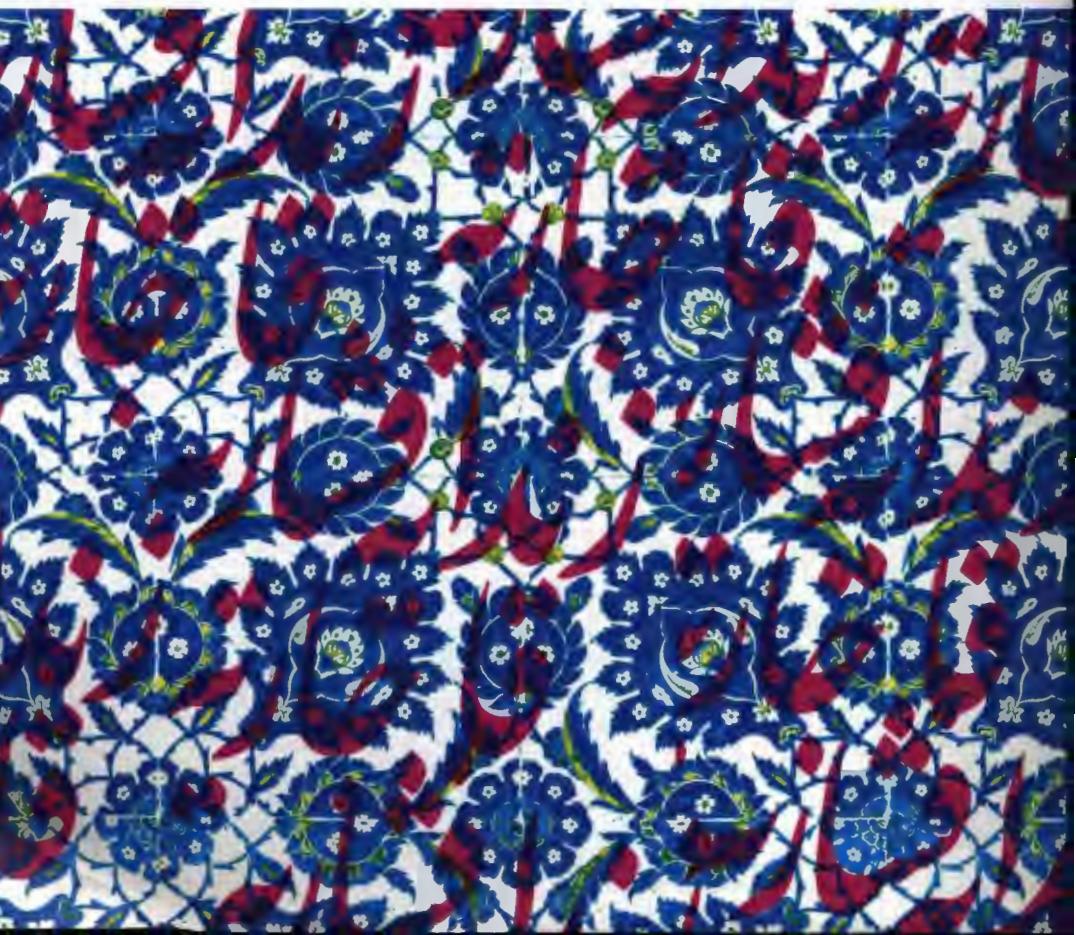


موزسه انتشارات نگاه

# شعر دوره بازگشت

بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه

محمد شمس لنگرودی



# شعر دوره‌ی بازگشت

سرشناسه	: شمس لنگرودی، محمد، -۱۳۲۹
عنوان و نام پدیدآور	: شعر دوره‌ی بازگشت: (بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه)/محمد شمس لنگرودی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهري	: ۴۳۸ ص.
شابک	: ISBN: 978-600-376-391-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه.
موضوع	: سبک بازگشت ادبی
موضوع	: Literary renaissance style (Persian poetry)
موضوع	: شعر فارسی—قرن ۱۳-۱۲ ق. —تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry—18-19 <sup>th</sup> century – History and criticism
رده‌بندی کنگره	: PIR ۳۵۸۱/۷ ش۸۷ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیوی	: ۸۱/۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۸۷۷۴۸

# شعر دوره‌ی بازگشت

بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه

محمد شمس لنگرودی



مؤسسه انتشارات نگاه

# محمد شمس لنگرودی

## شعر دوره‌ی بازگشت

بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

طراحی جلد: فرشید خالقی

چاپ اول: فروردین ۱۳۹۸ - شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ دیجیتال: نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۹۱-۳

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

• تأسیس ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای راندارمری،  
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵  
تلفن: ۰۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

[negahpublisher@yahoo.com](mailto:negahpublisher@yahoo.com)

• [www.negahpub.com](http://www.negahpub.com) • [negahpub](#) • [newsnegahpub](#)

با احترام به استادم، پدرم  
حضرت جعفر شمس گیلانی  
که بزرگوارانه چراغ برافراشت  
تا خود راهم را بیابم.  
م.ش.

## فهرست

۱۱.....	۱. مقدمات بازگشت .....
۱۳.....	پیش سخن.....
۱۹ .....	۱-۱. کلیات.....
	زمینه های تاریخی: زوال صفویه
۱۹ .....	زمینه های شعری: بقایای مکتب وقوع
۳۲.....	۱-۱. مکتب وقوع .....
۳۵ .....	وحشی بافقی (۹۳۹ ه.ق.- ۹۹۱ ه.ق.).....
۵۰ .....	ضمیری اصفهانی (... ه.ق- ۹۷۳ ه.ق).....
۵۳ .....	نظیری نیشابوری (... وفات ۱۰۲۱ ه.ق.).....
۵۷ .....	۲. بازپیدایی شاعران وقوعی .....
	زمینه های تاریخی: سقوط صفویه و حکومت نادری
۵۹.....	زمینه های روحی: اضطراب، نامنی، درونگرایی .....
۶۵.....	۳. ظهور کریم خان زند و انجمن وقوعی - بازگشتی اول.....
۶۹.....	۴. شعر دوره‌ی بازگشت .....

۷۱.....	۴-۱. کلیات
۷۸ .....	۴-۲. اصول شعر بازگشت
۸۳ .....	۵. انجمن اول بازگشت (انجمن ادبی اصفهان)
۸۶ .....	۵-۱. مطرح ترین شاعران انجمن اول: مشتاق اصفهانی (۱۱۰۱ ه.ق.- ۱۱۷۱ ه.ق.)
۸۶ .....	هائف اصفهانی (۱۱۹۸ ه.ق.- ...)
۱۰۷.....	صباحی بیدگلی (۱۲۱۸ ه.ق.- ...)
۱۲۵.....	آذربیگدلی (۱۱۳۴ ه.ق.- ۱۱۹۵ ه.ق.)
۱۳۴ .....	۵-۲. تعطیلی انجمن اول (مرگ کریم خان زند. تعطیل انجمن اول. ظهور آقا محمد خان قاجار)
۱۴۱.....	۶. انجمن دوم بازگشت (انجمن نشاط)
۱۴۵.....	نشاط اصفهانی (۱۱۷۵ ه.ق.- ۱۲۴۴ ه.ق.)
۱۴۸ .....	۱-۶. تعطیل انجمن دوم (اعدام آقا محمد خان. تعطیل انجمن دوم ظهور فتحعلی شاه)
۱۶۷ .....	۷. انجمن سوم بازگشت (انجمن خاقان)
۱۷۵ .....	۷-۱. فتحعلی شاه قاجار متخلص به خاقان
۱۸۵ .....	۷-۲. انجمن ادبی خاقان
۱۹۸ .....	فتحعلی خان صبا (۱۱۸۰ ه.ق.- ۱۲۳۸ ه.ق.)
۲۲۴ .....	سحاب (۱۲۲۲ ه.ق.- ...)
۲۲۸ .....	مجمر اصفهانی (۱۱۹۰ ه.ق.- ۱۲۲۵ ه.ق.)
۲۴۱.....	۸. تثیت و رواج دوره‌ی بازگشت
۲۴۳.....	۸-۱. اوضاع ایران پس از خاقان
۲۴۳.....	محمد شاه
۲۴۸.....	ناصرالدین شاه
۲۴۹ .....	امیرکبیر
۲۵۶ .....	۸-۲. آخرين شاعران بازگشتی عصر قاجار

۹ فهرست /

- ۲۵۹ ..... قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳ ه.ق. - ۱۲۵۱ ه.ق.)  
۲۶۶ ..... شعر قایم مقام (متخلص به ثناوی)  
۲۷۷ ..... وصال شیرازی (۱۱۹۷ ه.ق. - ۱۲۶۲ ه.ق.)  
۲۹۴ ..... یغمای جندقی (۱۱۹۶ ه.ق. - ۱۲۷۶ ه.ق.)  
۳۲۰ ..... فروغی بسطامی (۱۲۱۳ ه.ق. - ۱۲۷۴ ه.ق.)  
۳۲۵ ..... فتح الله خان شبستانی (۱۲۴۱ ه.ق. - ۱۳۱۸ ه.ق.)  
۳۴۱ ..... قاآنی (۱۲۲۳ ه.ق. - ۱۲۷۰ ه.ق.)  
۳۶۱ ..... سروش اصفهانی (۱۲۲۸ ه.ق. - ۱۲۸۵ ه.ق.)  
۳۷۲ ..... محمود خان ملک الشعراي صبا (۱۲۲۸ ه.ق. - ۱۳۱۱ ه.ق.)  
۳۸۲ ..... شاطر عباس صبوحی (۱۲۵۷ ه.ق. - ۱۳۱۵ ه.ق.)  
۳۹۵ ..... ۹. شعر ضد بازگشتی: شعر عوام .....  
۳۹۷ ..... شعر ضد بازگشتی یا شعر عوام .....

- ۴۱۹ ..... فهرست نام‌ها  
۴۳۱ ..... منابع و مأخذ

# ۱. مقدمات بازگشت

## پیش سخن

۱. شعر دوره‌ی بازگشت ادبی به نام‌های مکتب بازگشت و سبک بازگشت شهرت دارد، ولی اطلاق این نام‌ها به اینگونه شعرهای تقلیدی نادرست است. مکتب، حاصل جمع شدن ویژگی‌های زیبایی‌شناختی ویژه‌یی در آثاری است. در متن کتاب به تفصیل در این باره صحبت شده است. نام کتاب به همین دلیل از «مکتب بازگشت» به «دوره‌ی بازگشت» تغییر یافته است.

۲. همواره شنیده و خوانده بودیم که در دوره‌ی کریم خان و فتحعلی شاه، کسانی به زمامت مشتاق اصفهانی، در شهر اصفهان دور هم نشستند، شعر سبک هندی (ظاهراً آخرین مکتب شعری پیش از زندیه) را مبتذل شمردند، به سبک شاعران غزنی و سلجوقی بازگشتند، شاعران تبع اینان کرده و «مکتب بازگشت» را پی نهادند.

اما این سخن هرچه بود دست‌کم ساده‌لوحانه می‌نمود. چطور ممکن است مشتاق اصفهانی و یا هر کس دیگر بدون هیچ زمینه‌ی عمومی و تاریخی، به یکباره روی از سبک رایج هندی برتأفته به سبک و شیوه قدماء بازگشته و دیگر شاعران نیز به تبع ایشان چنین کرده باشند، چندان که مطلقاً هیچ شانسی از سبک و سیاق پیشین در شعرا این شاعران باقی نمانده باشد؟

در سال ۱۳۶۵، در ادامه‌ی جست‌وجوییم برای روشن شدن مطلب، به نوشته‌هایی از «عبدالرزاقدنبیلی» مورخ نادری و کریم‌خانی، و پاره‌یی تذکره‌ها چون تذکره «حزین لاهیجی» برخوردم و صدای کلید مشکل را شنیدم. آنگاه بود که دانستم «بازگشت»، از بسیار پیشتر، از اواخر دوره صفویان آغاز شده؛ در زمان حکومت کریم‌خان رسمیت یافته؛ و در عصر قجر تکامل پیدا کرده است. در این کتاب، کوشیده‌ام که چگونگی شکل‌گیری دوره‌ی بازگشت را، طی دوران طولانی مذکور، بازنمایم.

۲. همین که در تحلیلی، ناگزیر از ذکر نام کریم‌خان و نادرشاه و حاکمانی دیگرمی شویم، خود، نشان‌دهنده‌ی لزوم پرداختن به تاریخ، پیش از پرداختن به هرامردیگرا جتماعی در آن تحلیل است. در کتاب حاضر به طور مثال از جلایر نامه – که سرمشق یکی از معروف‌ترین اشعار عصر مشروطه، یعنی عارف‌نامه‌ی ایرج میرزا شد – نمی‌توان سخن گفت و از شاعر آن یعنی قائم مقام فراهانی نامی به میان نیاورد. و قائم مقام، وزیر محمد شاه قاجار بود که جلایر نامه را از زبان خدمتکار بیسوادش به نام «جلایر» نوشته بود؛ او حتی اغلات دستوری و وزنی را، به همان صورت که یک بیسواد ممکن است مرتکب شود، در شعرش آورد، کاری که کم و بیش بدین صورت در شعر رسمی سابقه‌ی نداشت. قائم مقام را بعدها به دستور شاه قاجار، در حالی که پارچه در دهانش تپانده بودند خفه کردند. آیا لازم نیست بدانیم ریشه‌های تاریخی جلایر نامه که چنان اثر چشم‌گیری در شعر زنده و تپنده‌ی عصر مشروطه داشت، و انگیزه‌ی اجتماعی قائم مقام در سرایش این منظومه چه بوده است؟ این، یک سوی مسئله است. از سوی دیگر، می‌دانیم که هرنوع بازگشتی نتیجه‌ی عجز است، و دوره‌ی بازگشت – به قول نیما یوشیح – نتیجه‌ی عجز شاعران بازگشتی در درک جهان پیرامونی. درک و شناخت علت این عجز غم‌انگیز هم ممکن نیست مگر با وقوف به تاریخ دوره بازگشت؛ چرا که این عجز اساساً عجزی تاریخی و عمومی بود نه فردی.

۴. برای دانستن اینکه شعر بازگشته چگونه شعری است؛ یعنی برای درک دقیق و روشن کیفیت شعر بازگشت، کوشش کرده‌ام که دیوان نخستین شاعران و مطرح ترین شاعران بازگشته را به تفصیل بررسی کنم؛ اما پس از اطمینان از روشن شدن مطلب (به گمان من) و بی‌نیاز شدن از توضیح و نمونه بیشتر، به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام، در دیوان دیگر شاعران نه چندان مطرح بازگشته چندان درنگ نکرده‌ام؛ و اینان، فقط به نمونه دادن بهترین اشعارشان بسنده کرده‌ام.

۵. از دوره قاجار، تذکره‌های فراوانی به جامانده است که بسیاری فقط فهرست نام شاهزادگان شاعر، وزرای شاعر، حکماء شاعر قاجار وغیره است که نام عده زیادی از آنان - به قول رضاقلی خان هدایت - با حساب سازی و رفیق بازی وارد لیست شده است؛ پیداست که با سمتگیری من که پرداختن به جوهره شعر بازگشت و چهره‌های مهم آن است، مغایرت دارد.

۶. در این کتاب، در شرح حال شاعران، فقط به بخشی از زندگی شان پرداخته شده است که مستقیم و یا غیرمستقیم به شعرشان مربوط می‌شده است.

اشعار مندرج در کتاب حاضر عموماً از دیوان شاعران مورد بحث استخراج شده است، بدین سبب، در هیچ جا از مأخذ اشعار نام برده نشده است، مگر در مواردی که مأخذ، کتابی به غیر از دیوان شاعران مذکور بوده باشد.

۷. ترتیب و تبویب کتاب حاضر، در اساس، همان ترتیب ظهورو پیدایی شاهان و شاعران در تاریخ ایران است. مثلاً قاتی را پیش از مجرم، یغما را پیش از هاتف، و فتحعلی شاه را پس از ناصرالدین شاه نیاورده‌ام. کوشش براین بوده که همه چیز به همان ترتیب، براساس شکل‌گیری انجمن‌های اول و دوم و سوم بازگشت بازنموده شود. اهمیت این کار، دست‌کم در یک ارزیابی پویا (دینامیک)، بازشناختن منزلت یک شاعر

(مثلاً متعلق به اوایل بازگشت)، نسبت به یک شاعر (متعلق به دوران اوج بازگشت) است.

۸. همه شاعران دوره‌ی بازگشت، درسخوانده و وابسته به دربار بودند جز شاطر عباس صبوحی. شاطر عباس از دراویش عامی بود که در اواخر دوره قاجار، در مقطع رسمیت یافتن شعر عوام عصر مشروطیت ظهر کرده بود، و بساماندگاری نامش، علاوه بر محافل درویشی، بهاء یافتن حرف و شعر عوام در این دوره بود.

شعر شاطر عباس، حد فاصل شعر خواص و عوام بود. او شاعر بازگشتی بود، ولی هیچ تذکره‌نویسی، در هیچ تذکره رسمی شعرای بازگشتی نامش را نیاورد. چرا که او شاعری عامی بود؛ شاعری عامی که کمتر شعر عامیانه‌یی از اباقی مانده است؛ و یا کمتر شعر عامیانه‌یی از ازوامی شناسیم.

در این کتاب مختصری از احوال و اشعار این شاعر را نیز در پایان دوره‌ی بازگشت، و پیش از ورود به مبحث «شعر عوام» می‌خوانیم.

۹. اگرچه شعر عوام همواره در هرجا که توده‌های مردم می‌زیسته‌اند وجود داشته است، ولی به سبب به حساب نیاوردن این خیل عظیم، هرگز اشعارشان در جایی ثبت نمی‌شد. تنها از اواخر دوره‌ی قاجار که «ملت» و «وطن» از زیر «سایه‌ی خدا» بیرون آمدند و حق و حقوقی یافتدند، شعرشان به نوعی رسمیتی یافت و محل ثبتی پیدا کرد.

ولی هیچ مُحقق ایرانی به چنین مهمی - گردآوری شعر عوام - دست نیازید. در عصر ناصری یک کارگزار روس در ایران به نام ژوکوفسکی آستین بالا زد و مجموعه‌یی از اشعار عامیانه را جمع کرد که هنوز کتاب وی تنها اثر قابل توجه در این زمینه است.

احتضار شعر بازگشت با ثبت شعر عوام همزمان است. در پایان بازگشت پس از تحلیل مختصری از شعر عوام، نمونه‌هایی از اشعار عامیانه از همین کتاب و مجله موسیقی ارائه شده است.

۱۰. واما توضیح آخر اینکه در سراسر کتاب فقط در سه چهار مورد، شماره‌ی صفحه‌ی مأخذ قید نشده است و این چند مورد، مربوط به برگه‌های یادداشت سال‌های دور است که اکنون ناخوانا شده است و متاسفانه با کوشش فراوان نیز نتوانسته‌ام بدانها دست یابم.
۱۱. در پایان، وظیفه خود می‌دانم که از دوستِ شاعرم، جناب آقای رضا خوشدل راد که پیش از چاپ بارها کتاب را خوانده و به درستی اشکالاتی را رفع کردند، و از استاد کریم رجب‌زاده که همواره مشکل‌گشای پرسش‌های ادبی من بود، تشکر و قدردانی کنم.

شمس لنگرودی  
خرداد ۱۳۶۷  
شهریور ۱۳۹۶

## ۱-۱. کلیات

زمینه‌های تاریخی: زوال صفویه  
زمینه‌های شعری: بقایای مکتب وقوع

صفویه که با اقتدار و اتکاء به اعتقادات دینی مردم از یکسو، و سرکوب و تحمیق شان از دیگرسو، در سال ۹۰۷ ه.ق. (۱۵۰۱ م)، شاه اسماعیل را به حکومت رسانیده بود و با ایجاد حکومت مرکزی و وحدت دینی-سیاسی به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های اقتصادی-هنری نائل شده بود، با به قدرت رساندن سلاطینِ حرم پروردی چون شاه صفی و شاه سلیمان و بویژه شاه سلطان حسین به مسیر زوال افتاد و با سقوط‌ش کم و بیش به مدت صد سال، ایران در اضطراب و پریشانی فرو رفت.

سلسله صفویه - با همه قتل و غارت‌ها و آدمکشی‌ها و جنایات بیشمارش - به هر حال نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود؛ ایران، در عصر صفویه، پس از قرن‌های قرن دیگر باره به حکومتی مرکزی دست یافت، و این در زمانی بود که پاره‌بی از کشورهای اروپایی دامنه‌ی نفوذ سرمایه‌های شان به ایران رسیده بود، و آنان برای تأمین منافع شان به گذرگاه‌های امن و لاجرم به یک حکومت مرکزی قادر تمند در داخل ایران نیاز داشتند، این تقارن (اتفاقی یا تنظیم شده) اهرم پیشرفت اقتصادی ایران بوده است.

در عصر صفوی، بازرگانی خارجی، که از دیرباز در ایران وجود داشت،  
فعال تر شده و گسترش هرچه بیشتر شهرنشینی را سبب شد؛ تولیدات  
کالایی به طور چشمگیری افزایش یافت؛ روابط پولی - کالایی و بازرگانی  
توسعه پیدا کرد؛ جاده‌ها و کاریزها ساخته شد؛ بار مالیات‌ها سبک‌تر شد؛  
و معماری که پرداختن بدان نیازمند ثبات اجتماعی طولانی مدت است،  
به رشد چشمگیری رسید که هنوز، از پس قرن‌ها، از افتخارات معماری  
ایران به شمار می‌رود.

بعضی از سلاطین صفویه با بذل توجه به پیشه‌ی قالیبافی و تشویق  
قالیبافان، این صنعت را از حد یک پیشه‌ی معمولی به سطح هنرهای زیبا  
رساندند، و در دوره‌ی هم‌اینان بود که بهترین سفال‌های جهان تولید شد؛ و  
خوشنویسی و نقاشی و تذهیب و دیگر هنرها به طور بی‌سابقه‌یی رشد کرد.

معروف است شاه اسماعیل صفوی - که جنایتش مُعترف حضور  
است - چنان مراقبتی از نقاشان و خوشنویسان می‌کرد که در جنگ  
چالدران، بهزاد ویک خوشنویس مورد علاقه‌اش را در پناهگاه مطمئنی  
پنهان کرد که آسیبی بدیشان نرسد<sup>۱</sup>. و هر قدر شاه اسماعیل و شاه  
طهماسب به فن کتابسازی و خوشنویسی علاقمند بودند، شاه عباس اول  
به معماری و شهرسازی و قالیبافی و سفالسازی ... (و کل هنرهایی که  
مستقیماً به پیشرفت اقتصادی کشور مربوط بود) علاقه نشان می‌داد؛  
معروف است که همین شاه عباس یک بار چنان تحت تاثیر یکی از  
نقاشی‌های رضا عباسی واقع شد که دستش را بوسید<sup>۲</sup>.

اینها مطالبی نیست که نادیده گرفتنش برای دشمنانش بحق صفویه  
هم آسان باشد؛ جامعیت شهرسازی اصفهان، که طرح اخیرش مربوط به

۱. نگاه شود به: ایران عصر صفویه، ص ۱۱۲.  
۲. همان، ص ۱۱۵.

زمان شاه عباس اول است، در سراسر جهان اسلام آنروز بیسابقه بود. در زمان همین سلطان چندان کاروانسرا و بیمارستان و پل و حمام در ایران ساخته شد، و امنیت در جاده‌ها چندان شد که قصه‌ها و ضربالمثل‌هایش هنوز زنده است.

در پی این پیشرفت‌ها، و در نتیجه‌ی رشد و گسترش شهرنشینی و رفاه نسبی طبقات متوسط نسبت به دوران گذشته بود که شعر (این اولین و آخرین پناهگاه روانی مردم ایران) از دربار قدم ییرون گذاشت، به قهقهه خانه‌ها و اماکن عمومی دیگر راه یافت، و تحت ذوق و زیبائشناسی مردم کوچه و بازار به لباس نوی درآمد که بعدها به سبک هندی شهرت یافت: سبکی که زیبایی‌هایش، دیگر با معاییر و اصول زیبائشناسی مدرسی سبک‌های پیشین شعر فارسی قابل ارزیابی نبود.

در سبک‌های پیشین (خراسانی، عراقی، آذربایجانی، ...) شعر که با فرهنگ ادب‌ودانشمندان و درباریان و شاعران و عارفان و... ساخته می‌شد، و مخاطب آن نیز عمدتاً درسخواندگان بوده‌اند، الزاماً باید در لفاف زبان فحیم پیچیده می‌شد تا پذیرفته شود، و این توجه تا جایی بود که گاه شعر چیزی جز فخامت کلام نبود، یعنی گاه شعر - مثل بیشتر اشعار والای به جامانده ترکستانی یا خراسانی - روایت استادانه‌ی تصویر، و یا اندیشه‌یی بی‌جوهره‌ی خیال بود که در لباس فحیم و موزون ادب پوشیده شده بود. ولی در اشعار قهقهه‌خانه‌یی سبک هندی که مخاطبین آن نه درسخواندگان بلکه عمدتاً از طبقه‌ی متوسط نوبای شهری بوده‌اند عناصر دیگری چون اغراق، ارسال مثل، خیال‌های شگفت، ایجاز معماگونه (نه معماگویی)، تصویر، و مهمتر از همه، عناصر موجود در زندگی روزمره (که تا آن روز بطور پراکنده در شعر دیده می‌شد) جای فخامت زبان مدرسه‌یی را گرفت و اصول زیبائشناسی کلاسیک را دگرگون کرد.

برای شاعران سبک هندی و طرفداران شان، که عموماً مکتب‌گریز بوده‌اند،  
اهمیت چندانی نداشت که مثلاً رودکی به طرز شگفت‌انگیزی گفته است:

شادی با سیاه چشمان شاد!  
که جهان نیست جز فسانه و باد

زآمده شادمان بباید بود  
وز گذشته نکرد باید باد

...

برای او مهم این بود که در این اشعار هیچ‌گونه خیال‌بندی غریب و  
شگفت‌آور وجود ندارد پس چندان شعر درخشنای نیست، در حالی که  
مثلاً در این بیت صائب که می‌گوید:

نزاکت آنقدر دارد که هنگام خرامیدن  
توان از پشت پایش دید نقش روی قالی را

چنان خیال شگفت‌انگیز و غیرمنتظره‌یی وجود دارد که شعر را به  
شاهکار مسلمی بدل می‌کند؛ هر چند ادب، لغت نزاکت، بساخته‌ی  
غیرمعمول و اژه‌ی نازک فارسی را غلط بدانند؛ و این دور پروازی خیال و  
پیچیدگی و حیرت‌زایی معنایی هرچه بیشتر بود لذت کشفش چند برابر  
امتیازش بسی بیش تر. ظاهراً برای مردم هم اهمیت چندانی نداشت که بیت  
اول شعر به بیت دوم ربطی داشته باشد یانه، آنها فقط منتظر پرواز ذهن شاعر  
در بیت بعدی می‌مانده‌اند و بس. بدین جهت است که عده‌یی براین باورند  
که بسیاری از شاعران سبک هندی غزلیات شان رانه در یک نشست،  
بلکه به مرور و بیت به بیت می‌ساخته‌اند و بعداً به هم می‌دوخته‌اند.

اما تمامی این شور و شوق کشف و نوآوری در شعر (سبک هندی) و قالیبافی و معماری و نقاشی و سفالسازی و دیگر هنرها و صنایع، فقط در دوران پیشرفت‌های اجتماعی-اقتصادی صفویان جریان داشت؛ آن دورانی که به قول شاردن (که همان زمان در ایران به سرمی بود): «قهوه خانه‌ها - تالارهای بزرگ وسیع و بلند، به صور و اشکال گوناگون - بهترین پاتوغ هر شهری به شمار می‌رفت؛ چون مرکز اجتماع و محل تفریح سکنه بلاد بود... در آغاز روز این مواکز افتتاح می‌شد و طرف غروب بر تعداد اجتماع می‌افزود... و قهوه به طرز بسیار تمیزی به سرعت تمام و احترام، ملاکام تقدیم مشتریان می‌گردید و صرف می‌شد. در قهوه خانه‌ها مردم به صحبت می‌پرداختند، زیرا در اینجا بود که خبرهای تازه مطرح می‌شد و سیاسیون با کمال آزادی و بدون هیچ‌گونه نگرانی از حکومت انتقاد می‌کردند و حکومت نیاز از گفت و گوی مردم نمی‌هراستید... ملایان، درویشان، شاعران به نوبت قطعات و داستان‌های منظوم و منثوری در قهوه خانه‌ها قرائت می‌کردند... و اغلب اوقات اتفاق می‌افتد که دو یا سه نفر ناطق در آن واحد، یکی در این گوش، دیگری در آن گوش به سخن می‌پرداخت...»<sup>۱</sup>؛ دورانی که به سبب همین امکانات و رفاه نسبی (نه صرفاً آرزوی شاعران برای نمودن برتری نفسانی، آنچنانکه استاد ارجمند جناب دکتر ذیبح الله صفا می‌فرمایند.)<sup>\*</sup> پاره‌یی از مردم، بویژه پیشه‌وران «و هر که طبعی داشت به شاعری می‌پرداخت، و در این راه تمرين می‌کرد، و

۱. سیاحت‌نامه شاردن، جلد چهارم، ص ۲۷۶.

\* خود آقای صفا در «تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۵۱۳، می فرمایند که «برای برخی (از) این شاعران، شعر رسمیه تفریح خاطر بود، و حتی بعضی از این گویندگان در خواندن و نوشتن هم چندان مایه و نبودند و این مهارت شاعری را بیشتر از راه معاشرت با شاعران و به حفظ داشتن گفتار این و آن و به صرافت قریحه و طبع کسب می‌کردند». یعنی رفاه، و امکان برآوردن چنین آرزویی، برای نمودن برتری نفسانی، برای پیشه‌وران اماده بود، و گرنه، قبل و بعد از آن هم این اقتدار چنین آرزویی داشتند.»